

باسمه تعالی

# غدیر خم

زمینه‌های تاریخی حادثه غدیر

با حلول ماه ذی القعدة سال دهم هجری، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم خود را جهت زیارت خانه خدا و ادای فریضه حج با مسلمانان در میان نهاد. این خبر به سرعت در شهر مدینه و اطراف آن منتشر گردید و علاوه بر آن به گوش مسلمانان دیگر که در نقاط مختلف عربستان زندگی می کردند رسید، به طوری که در اندک زمان هزاران نفر برای برگزاری فریضه حج در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شدند.



در بیست و پنجم ذی القعدة کاروان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمار زیادی از مسلمانان که مورخان تعداد آنها را تا صد هزار نفر و یا اندکی بیشتر ذکر کرده اند، از مدینه به قصد مکه خارج گردید. این عده غیر از کسانی بودند که از نقاط دیگر عربستان از جمله ساکنان مکه و آبادیهای اطراف آن به حج گزاران ملحق شدند.

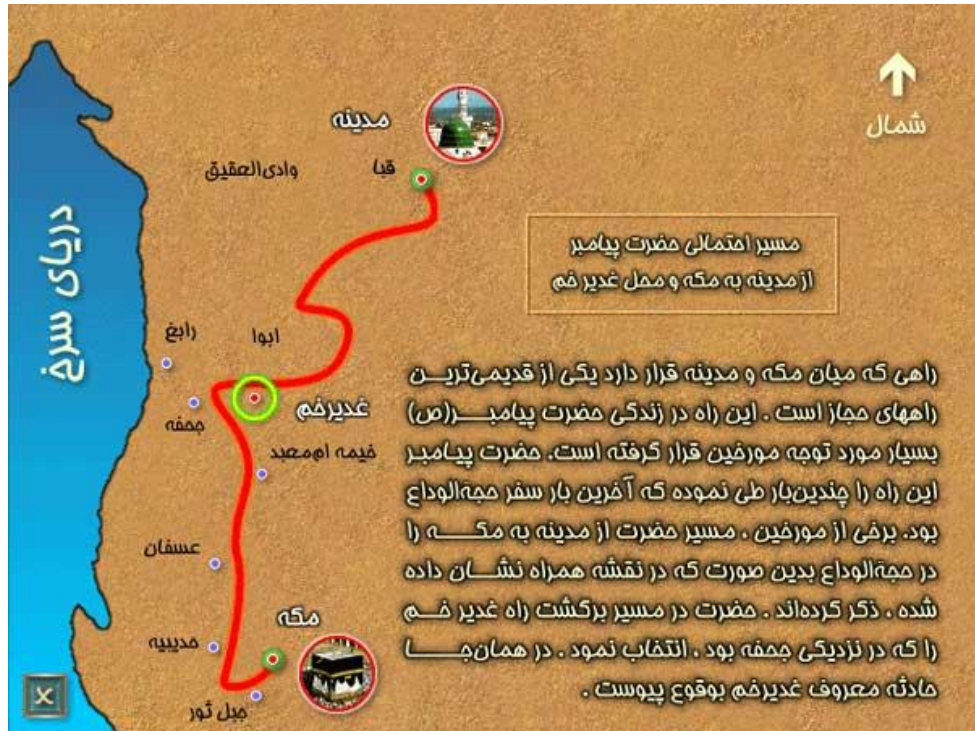
شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان نجران و جریان مباحله، حجة الوداع به وقوع پیوست. اندکی قبل از این پیشامد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به یمن فرستاد تا خمس گنجینه‌ها و معادن را از اهالی آنجا بگیرد و آنچه را که مسیحیان نجران از حله و پولمتههد شده بودند، دریافت کند. حضرت علی علیه السلام به محل مأموریت خود عزیمت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به کس دیگر غیر از علی علیه السلام در این کار اعتماد

نکرد و در میان مردم هیچکس را شایسته این کار ندید. حضرتش علی علیه السلام را به عنوان نایب خود به این سفر گسیل داشت، زیرا درباره انجام مأموریتی که بر عهده‌اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود.

در همین ایام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آهنگ حج نمود و پس از آنکه جمعیت زیادی از مدینه و اطراف آن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه شدند، آن حضرت در بیست و پنجم ذی القعدة از مدینه خارج گردید. همزمان با آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامه‌ای به علی علیه السلام که در یمن به سر می‌برد ارسال کرد و در آن به آن حضرت سفارش کرد که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج خود و چگونگی نیت آن مطلبی برای علی علیه السلام ننوشت.

به هر حال، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علی علیه السلام نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود. حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات کند و درباره سفر خود و حله‌ها و هدایایی که آورده بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن اظهار خرسندی از دیدار علی علیه السلام از او سؤال کرد که: ای علی، به چه نیتی احرام بستنی؟ علی علیه السلام در پاسخ گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شما برای من ننوشته بودی که خود به چه نیتی احرام خواهی بست، من به نیت شما آگاه نبودم، از این رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیت شما پیوند زدم و گفتم: بار خدا یا، من به همان نیتی احرام می‌بندم که رسول تو بسته است و سی و چهار شتر نیز برای قربانی با خود آورده‌ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الله اکبر! من شصت و شش شتر برای قربانی آورده‌ام. تو در حج و مناسک و انجام قربانی با من شریک هستی. اکنون بر احرام خود باش و به سوی لشکر باز گرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه به هم ملحق گردیم.



رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهت انجام مناسک حج چند روزی در مکه به سر برد. آن حضرت در روز عرفه سو به روایتی در روز عید خطبه‌ای در جمع مسلمانان ایراد فرمود که در آن همگان را به رعایت تقوای الهی، تعهد به ارزشهای اخلاقی و مراعات حقوق یکدیگر سفارش نمود. (۱) پس از آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفت که مکه را به قصد مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید و بار دیگر خیل عظیم مردم به همراهی پیامبر خود مکه را به قصد مدینه پشت سر گذاشتند. هنگامی که این کاروان عظیم به نزدیک جحفه رسید،



امین وحی الهی در نقطه‌ای به نام غدیر خم فرود آمد

و این آیه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد که:

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لا ینجسکم الا الذنوب ان الله ینزل الیک الذکر  
الکافرین.

یعنی: ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان. و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. و خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم حفظ می‌کند. و خداوند جمعیت کافران را هدایت نخواهد کرد.



غدیر در آیینه قرآن و روایات ص ۵ دکتر مجید عارف

### برنامه‌های قبل از خطابه

صبح آن روز که پیامبر (ص) از مکه حرکت کردند جمعیتی بیش از یکصد و بیست هزار نفر به همراه آنحضرت به سوی غدیر خم آمدند.

با رسیدن به منطقه غدیر، حضرت مسیر حرکت را به سمت راست جاده تغییر دادند و فرمودند تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند و آنانکه پیش رفته‌اند باز گردند و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند، تا همه در محل از پیش تعیین شده جمع شوند». همچنین دستور دادند: «کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن محل خالی بماند.»



با این دستور همه مرکبها از حرکت ایستادند و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند و خیمه‌ها را بر پا کردند و مستقر شدند. شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین به حدی بود که مردم حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباسشان را بر سر انداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده‌ای از شدت گرما عبا را به پاهایشان پیچیده بودند. پیامبر (ص) به سلمان و ابوذر و مقداد و عمار دستور آماده سازی محوطه بین چند درخت کهنسال را دادند. آنان پس از کندن خارهای زیر درختان و جمع آوری سنگهای ناهموار، آنجا را جارو زده و آب پاشی کردند. در فاصله بین دو درخت روی شاخه‌ها پارچه‌هایی انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه‌ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.



در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رو اندازه‌های شتران و سایر مرکبها نیز کمک گرفتند و روی همه آنها پارچه‌ای انداختند، و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند. این منبر را طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر (ص) هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشند تا صدای حضرت به همه برسد و همه آنحضرت را ببینند. البته یک نفر سخنان پیامبر (ص) را برای مردم تکرار می‌کرد تا افرادی که دورتر قرار داشتند مطالب را بهتر بشنوند.

### کیفیت سخنرانی پیامبر (ص)

انتظار مردم به پایان رسید. منادی پیامبر (ص) ندا داد تا مردم جلوی منبر اجتماع کنند، و با آماده شدن صفها نماز را به جماعت خواندند.



بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر (ص) (بر فراز آن منبر ایستادند و به امیر المؤمنین (ع) دستور دادند بالای منبر بیاید. آنحضرت نیز بالای منبر رفته و یک پله پایین تر در طرف راست پیامبر (ص) ایستاد.

سپس آنحضرت نگاهی به سمت راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند و آرام بگیرند. پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم (ص) سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند.

سخنرانی پیامبر (ص) در غدیر با شیوه خاص آن که دو نفر بر فراز منبر در حال قیام دیده می‌شدند حدود یک ساعت طول کشید. این بیانات حضرت در یازده بخش قابل ترسیم است:

در اولین بخش سخن، آنحضرت حمد و ثنای الهی بجا آورده و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر فرمودند، و به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند.

در بخش دوم تصریح فرمودند که باید فرمان مهمی درباره علی (ع) ابلاغ کنم، و گر نه رسالت الهی را نرسانده‌ام و ترس از عذاب خدا دارم.

در سومین بخش، آنحضرت امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا با عمومیت ولایت آنان بر همه انسانها، در طول زمانها و در همه مکانها، و نفوذ کلماتشان در جمیع امور اعلام فرمودند.

در بخش چهارم خطبه، پیامبر (ص) بازوان امیر المؤمنین (ع) را گرفتند و آنحضرت را از جا بلند کردند و در این حال فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله». سپس کمال دین را با ولایت ائمه (ع) اعلام فرمودند.

در بخش پنجم، حضرت صریحا فرمودند: «هرکس از ولایت ائمه (ع) سر باز زند اعمال نیکش سقوط می‌کند و در جهنم خواهد بود.»

بعد از آن شمه‌ای از فضائل امیر المؤمنین (ع) را متذکر شدند.

در مرحله ششم، پیامبر (ص) با تلاوت آیاتی از قرآن در رابطه با عذاب الهی و لعن دشمنان دین، فرمودند: «منظور از این آیات عده‌ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده، و اغماض نسبت به آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.»



سپس بیزاری خود را از گمراه کنندگان امت اعلام فرمودند و اشاره‌ای هم به «اصحاب صحیفه ملعونه» و غاصبین مقام امامت نمودند.

در بخش هفتم، حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت اهل بیت (ع) قرار داده فرمودند: «اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهل بیت هستند». سپس آیاتی درباره اهل بهشت را به پیروان آل محمد (ع)، و آیاتی درباره اهل جهنم را به دشمنان آل محمد (ص) تفسیر فرمودند.

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدي ارواحنا فداه فرمودند و آینده‌ای پر از عدل و داد به دست امام زمان عجل الله فرجه را به جهانیان مژده دادند.

در بخش نهم مردم را به بیعت با خود و سپس با علی (ع) دعوت نمودند و آن را از طرف خداوند و بیعت با حقتعالی دانستند.

در دهمین بخش، پیامبر (ص) درباره کیفیت بیان احکام الهی در آینده مسلمین فرمودند: چون بیان همه حلالها و حرامها توسط من امکان ندارد، با بیعتی که درباره امامان (ع) از شما می‌گیرم حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده‌ام، یعنی بیان ایشان در حکم بیان من است. بالاترین امر به معروف و نهی از منکر را نیز، تبلیغ پیام غدیر درباره اطاعت از امام (ع) و نهی از مخالفتشان دانستند. در آخرین مرحله خطابه، بیعت لسانی انجام شد و حضرت فرمودند: «خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبانهای شما اقرار بگیرم». سپس مطلبی را که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام (ع) و عهد و پیمان بر ثابت قدم بودن و بر رساندن پیام غدیر به نسلهای آینده و غائبان از غدیر بود برای مردم گفتند و مردم آنرا تکرار کردند. کلمات نهایی پیامبر (ص) دعا برای اقرار کنندگان و نفرین بر منکرین اوامرش بود و با حمد و سپاس خداوند خطابه را به پایان رساندند.



## دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثنای خطبه، پیامبر (ص) دو اقدام عملی انجام دادند که بسیار جلب توجه نمود:

### اول: بلند کردن و معرفی امیر المؤمنین (ع)

حضرت پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیر المؤمنین (ع)، برای آنکه تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبهه بسته باشد، پس از معرفی صاحب ولایت بصورت لسانی، آنحضرت را عملاً معرفی کردند. بدین ترتیب ه ابتدا فرمودند:

«باطن قرآن و تفسیر آنرا برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازویش را گرفته و او را بالا می برم.»

پس از آن، حضرت گفته خود را عملی کردند و بازوان امیر المؤمنین (ع) را گرفتند. در این هنگام امیر المؤمنین (ع) دستان خود را به سمت صورت حضرت باز کردند بطوری که دستهایشان به سوی آسمان بلند شد. سپس پیامبر (ص) امیر المؤمنین (ص) را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آنحضرت محاذی زانوهای پیامبر (ص) قرار گرفت. در این حال فرمودند:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه»

«هر کس که من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست.»

### دوم: بیعت با قلبها و زبانها

از آنجا که بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه مشکل بود، و از طرفی امکان داشت افرادی به بهانه‌های مختلف از بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند، لذا حضرت در اواخر سخنرانی فرمودند: ای مردم، چون جمعیت شما بیش از آن است که با دست من در زمان واحد بیعت کنید، پس همگی قبلا این سخنی را که من می گویم بقصد بیعت تکرار کنید و بگوئید:

«ما فرمان تو از جانب خداوند را که درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش به ما رساندی اطاعت می کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستان با تو بر این امر الهی بیعت می کنیم. . . عهد و پیمان در این باره برای آنان از ما از قلبها و جانها و زبانها و ضمائر و دستانمان گرفته شد. هر کس توانست با دستش، و گر نه با زبانش بدان اقرار می نماید»



## متن کامل خطبه رسول الله در غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

### ۱ حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودن خود نزدیک است. در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است. علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است، و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد. همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست. ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد.

وجود آورنده بالا برده شده ها (کنایه از آسمانها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (کنایه از زمین) بگانه حکمران زمینها و آسمانها، پاک و منزه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه وجود آورده است. هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

کرم کننده و بردبار و تحمل کننده است. رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است. در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند، و به آنچه از عذابش که مستحق آند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمایر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود. او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی، و مانند او شیئی نیست. اوست وجود آورنده شیئی (چیز) هنگامی که چیزی نبود. دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است. نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است.

بالتر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است. هیچکس نمی تواند به دیدن به صفت او راه یابد، و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم برای او که اوست خدایی که قدس و پاکی و منزه بودن او روزگار را پر کرده است. او که نورش ابدیت را فرا گرفته است. او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حيله خلق کرده است. آنها را ایجاد کرد پس بوجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند. پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، صنعت او محکم و کار او زیبا است، عادل که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد.

شهادت می‌دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند. شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می‌گرداند که بسرعت در پی آن می‌رود. در هم شکننده هر زورگویی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان سرپیچ و متمرّد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است. یکتا و بی‌نیاز است. زائیده نشده و نمی‌زاید و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت. می‌خواهد پس به انجام می‌رساند، و اراده می‌کند پس مقدر می‌نماید، و می‌داند پس به شماره می‌آورد. می‌میراند و زنده می‌کند، فقیر می‌کند و غنی می‌نماید، می‌خنداند و می‌گریاند، نزدیک می‌کند و دور می‌نماید، منع می‌کند و عطا می‌نماید. پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست. خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می‌برد. نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است. اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده، شمارنده نفسها و پروردگار جن و بشر، که هیچ امری بر او مشکل نمی‌شود، و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی‌کند، و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی‌کند. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین. خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند.

او را سپاس بسیار می‌گوییم و دائماً شکر می‌نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می‌آورم. دستورات او را گوش می‌دهم و اطاعت می‌نمایم و به آنچه او را راضی می‌کند مبادرت می‌ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می‌شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی‌توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی‌کند).

## 2 فرمان الهی برای مطالبی مهم

اقرار می‌کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او، و شهادت می‌دهم برای او به پروردگاری، و آنچه به من وحی نموده ادا می‌نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حيله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشد نیست خدایی جز او زیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده‌ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت‌کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربکفی علی یعنی فی الخلافة لعلی بن ابی طالبو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالبو اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند.»

ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم که او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بیا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»، و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون»، «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند»، و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می‌کند. ای مردم، من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد، زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت‌کنندگان و حيله های مسخره‌کنندگان اسلام اطلاع دارم، کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبان‌شان می‌گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می‌شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است. و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده‌اند تا آنجا که مرا «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او (علی) با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از من، تا آنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد: «و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذن قل اذنعلی الذین یزعمون أنه اذنعیر لکم، یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین...»، «و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می‌کنند و می‌گویند او «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) است، بگو: گوش استبر ضد

کسانی که گمان می کنند او «اذن» استو برای شما خیراست، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید.»

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت (اذن) را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و اللہ یعصمک من الناس»، «ای پیامبر برسان آنچه در حق علی از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.»

### 3 اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام (ع)

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بیا می ایستیم، پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.



حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین»، «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم.»

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و او اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس پرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل اسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم، خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که من از او بر من و احسانی از جانب او بسوی من است. خدایی جز او نیست. حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد». هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم، او (علی) «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسی که با او مخالفت کند فرموده است: «ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»، «ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم.»

ای مردم، قرآن را تدبر نمائید و آیات آن را بفهمید و در محکمت آن نظر کنید و بدنبال متشابه آن نروید. بخدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دوازده دگر خیر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوانیدم، بدانید که من روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عز و جل می گویم، بدانید که امیر المؤمنین جز این برادرم نیست. بدانید که امیر المؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

#### 4معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین(ع) بدست پیامبر(ص)

سپس پیامبر(ص) دستش را بر بازوی علی(ع) زد و آنحضرت را بلند کرد. و این در حالی بود که امیر المؤمنین(ع) از زمانی که پیامبر(ص) بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر(ص) با دستش او را بلند کرد و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمود و علی(ع) را از جا بلند نمود تا حدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر(ص) رسید. سپس فرمود:

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند، و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیر المؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداوند می فرماید: «ما یبدل القول لدی»، «سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم: «خداوند اوست بدار هر کس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد. و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند، و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید.»

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا». «و من یبتغ غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی

الآخرة من الخاسرين»، «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»، «و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود». پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

## 5 تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم، این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است، و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره «هل اتی علی الإنسان...» شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم، او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خدا است، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده. پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیر المؤمنین علی است.

ای مردم، شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به علی حسد کنید که اعمالتان نابود شود و قدمهایتان بلغزد. آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود، پس شما چگونه خواهید بود در حالیکه شمائید و در بین شما دشمنان خدا هستند.

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل شده است سوره «و العصر»: «بسم الله الرحمن الرحيم، و العصر، ان الإنسان لفی خسر»، «قسم به عصر، انسان در زبان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و صبر توصیه کرد.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا بترسید آنطور که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

## 6 اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم، «ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبل از آنکه هلاک کنیم و جوهی را و آن صورتها را به پشت بر گردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحاب که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد، چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم، شما را می ترسانم و انداز می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند، و خدا بزودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد. بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم، با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند، پروردگار شما در کمین است.

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید: وقتی پیامبر (ص) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدینا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و در آن هنگام استای جن و انس که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس (گداخته) و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید.

ای مردم، خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خیبت را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنرا تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد، و خداوند و عده خود را عملی می نماید.

ای مردم، قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد. خدای تعالی می فرماید «ألم نهلك الأولين، ثم تتبعهم الاخرين، كذلك نفعل بالمجرمين، و يل يومئذ للمكذبين»، «آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دبگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم. وای برمکذبین در آن روز.»

ای مردم، خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید و راههای بیگانه، شما را از راه او منحرف نکند.

## 7 پیروان اهل بیت (ع) و دشمنان ایشان

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت می کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين...» تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است. ایشان دوستان خداوندند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می رسانند.

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: «لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر يوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آباءهم او ابنائهم او إخوانهم او عشيرتهم، اولئك كتب في قلوبهم الایمان...» تا آخر آیه، «نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است...»

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون» «کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند.»

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شک نیفتاده اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: «سلام بر شما پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید.»

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند، بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتناکی می شوند و شعله کشیدن آنرا می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده است «کلما دخلت امه لعنت اختها...» تا آخر آیه، «هر گروهی که داخل (جهنم) می شود همتای خود را لعنت می کند.»

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عز و جل می فرماید:

«کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر، قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء، انتم الا فی ضلال کبیر... فسحقا لأصحاب السعیر»، «هر گاه گروهی (از ایشان) را در جهنم می اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند: آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و شما در گمراهی بزرگ هستید... پس دور باشند اصحاب آتش.»

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است.



ای مردم، چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ! ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد.

ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

### 8 حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از هل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا، اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خیر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقتش و امین او بر نهان و آشکارش.

## 9. مطرح کردن بیعت

ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله، ید الله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه، و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»)، «کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.»

## 10. حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم، حج و عمره از شعائر الهی هستند، (خداوند می فرماید: «فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یتطوف بهما» تا آخر آیه، «پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند.»

ای مردم، به حج خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شوند مگر آنکه مستغنی می گردند و شاد می شوند، و هیچ خاندانی آنرا ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند. ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد، و هر گاه که حجتش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم، حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد، و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.

ای مردم، با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید.

ای مردم، نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید.

بدانید که بالاترین امر بمعروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است، و هیچ امر بمعروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید: «و جعلها کلمةً باقیةً فی عقبه»، «آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید.»

ای مردم، تقوی را تقوی را از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده: «إن زلزلة الساعة شیء عظیم»، «زلزله قیامت شیء عظیمی است.»

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید. هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود، و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

## 11 بیعت گرفتن رسمی

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی درباره امر امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او دنیا می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان. هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گر نه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلیمان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.»

ای مردم، چه می گوئید؟ خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند. پس هر کس هدایت یافت بنفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است، و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند، دست خداوند بر روی دست آنها (بیعت کنندگان) است.

ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید)، و به علی بعنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگوئید «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت بسوی توست». و بگوئید: «حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم...»

ای مردم، فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند که در قرآن آنرا نازل کرده‌ایش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم، کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن بعنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم، سخنی بگوئید که بخاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خدایا، بخاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را پیامرزه و بر منکرین که کافرنده غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

---

#### مراسم بعد از خطبه: بیعت مردان

با پایان یافتن خطابه، مردم به سوی پیامبر (ص) و امیر المؤمنین (ع) هجوم آوردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند و تبریک و تهنیت می گفتند.

پیامبر(ص) دستور دادند تا دو خیمه بر پا شود. در یکی خود جلوس فرمودند و به امیر المؤمنین (ع) دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس فرماید. مردم دسته دسته در خیمه پیامبر(ص) حضور می‌یافتند و پس از بیعت و تبریک به خیمه امیر المؤمنین(ع) می‌آمدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با حضرتش بیعت می‌کردند و با لقب «امیر المؤمنین» بر آنحضرت سلام می‌کردند، و این مقام والا را تبریک و تهنیت می‌گفتند. برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت و حضرت این مدت را در غدیر اقامت داشتند.

مسئله جالب در این بیعت آن بود که کسانی که در غدیر پیش از همه با امیر المؤمنین بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند که زودتر از همه بیعت خود را شکستند و پیمان خود را زیر پا گذاشتند.

جالب اینکه عمر بعد از بیعت، این کلمات را بر زبان می‌راند: «افتخار برایت باد، گوارایت باد، ای پسر ابی طالب! خوشا بحالت ای ابا الحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای!»

### بیعت زنان

از طرف دیگر، پیامبر (ص) دستور دادند تا ظرف آبی آورده و پرده‌ای بر روی آن زدند. امیر المؤمنین(ع) دست خود را در ظرف آب نهاده و زنان در سوی دیگر پرده با قرار دادن دست خود در ظرف آب، با آنحضرت بیعت کردند.

یاد آوری می‌شود که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام در غدیر حضور داشتند، و کلیه همسران پیامبر(ص) نیز در آن مراسم حاضر بودند.

### عمامه سحاب

در این مراسم، پیامبر(ص) عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیر المؤمنین (ع) گذاشتند و انتهای عمامه را از پشت سر بر دوش آنحضرت قرار دادند.

## شعر غدیر

در مراسم پر شور غدیر، حسان بن ثابت از پیامبر(ص) اجازه خواست تا به مناسبت این واقعه عظیم شعری درباره امیر المؤمنین(ع) بگوید.

حضرت فرمودند: بگو ببرکت خداوند.

حسان در جای بلندی قرار گرفت و گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر(ص) گوش کنید». سپس اشعاری را که همانجا سروده بود خواند که بعنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند.

## جبرئیل در غدیر

اتمام حجت دیگر این بود که مردی زیبا روی در کنار مردم می گفت:

«بخدا قسم روزی مانند این روز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمویش را محکم نمود! برای او پیمانی بست که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی زند.

وای بر کسی که پیمان او را بشکند.»

عمر نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: شنیدی این مرد چه می گفت؟! حضرت فرمودند: او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمودند:

«او روح الامین جبرئیل بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی. اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!»

## معجزه غدیر

امضای الهی بر غدیر، معجزه ای بود که پس از اعلام ولایت توسط پیامبر(ص) بوقوع پیوست. حارث فهری نزد حضرت آمد و معترضانه پرسید: آیا این ولایت که امروز اعلام کردی از جانب خدا بود؟ پیامبر(ص) فرمود: آری از جانب خدا بود.



در اینجا حارث خطاب به خداوند گفت: «خدا یا! اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست»!!

همین که سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد و از دبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

با این معجزه، بار دیگر بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سر چشمه گرفته و فرمان الهی است و منکرین آن مستحق عذاب اند.

پایان مراسم غدیر

پس از سه روز، مراسم غدیر پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان «ایام الولاية» در ذهنها نقش بست. گروهها و قبائل عرب، پس از وداع با پیامبر (ص) و معرفت کامل به جانشین آنحضرت راهی شهر و دیار خود شدند و پیامبر (ص) عازم مدینه گردیدند.

خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدین گونه خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد.

اتمام حجت جهانی در غدیر

جا داشت بیش از یکصد و بیست هزار نفر حاضر در غدیر، هر یک به سهم خود خطبه غدیر را حفظ کنند و متن آن را در اختیار فرزندان و فامیل و دوستان خود قرار دهند.

البته فضای جامعه مسلمین پس از رحلت پیامبر (ص) که گفتن و نوشتن معارف و سنن پیامبر و سنن پیامبر (ص) سالهای متمادی در آن ممنوع بود، سیب شد که مردم نتوانند سخنان سرنوشت ساز پیامبر دلسوزشان در آن مقطع حساس را بازگو کنند و در فکر اجرای آن در عینیت جامعه باشند. پیداست که مطرح کردن غدیر مساوی با برچیدن بساط غاصبین خلافت بود، و آنان هرگز اجازه چنین کاری را نمی دادند.

اما غدیر، بصورتی در سینه‌ها جای گرفت که عده زیادی خطابه غدیر یا قسمتی از آن را حفظ کردند و برای نسلهای آینده به یادگار گذاشتند، و هیچکس را قدرت منع از انتشار چنین خبر مهمی نبود. لذا بین قاطبه مسلمین، هیچ حدیثی به اندازه «حدیث غدیر» روایت کننده ندارد، و گذشته از تواتر آن، از نظر رجال و درایت فوق العاده است.

پیامبر(ص) با توجه به آینده بلند مدت دین الهی تا آخرین روز دنیا و دامنه وسیع مسلمین در حد جهانی، جانشینان خود تا روز قیامت را در این خطابه رسمی به جهانیان معرفی فرمودند.

اگر گروههایی از مسلمین در طول زمانها همچنان در مقابل جانشینان حقیقی پیامبرشان سر تعظیم فرود نیاورده و نمی‌آورند، ولی جمع عظیم شیعیان در طول تاریخ، فقط علی بن ابی طالب و یازده امام(ع) از فرزندان او را جانشینان پیامبر(ص) می‌دانند.

اگر اجتماع آن روز مسلمین، خلافت بلا فصل امیر المؤمنین(ع) را در مرحله عمل ندیدند، ولی بسیاری از نسلهای بعدی مسلمانان وصی واقعی پیامبرشان را شناختند که این بالاترین هدف از «غدیر» بود.

#### سند حدیث غدیر

واقعه عظیم غدیر، شامل مراحل مقدماتی قبل از خطبه و متن خطبه و وقایعی که همزمان با خطبه اتفاق افتاد و آنچه پس از خطبه بوقوع پیوست، بطوریکه روایت واحد و متسلسل بدست ما نرسیده است. بلکه هر یک از حاضرین در غدیر، گوشه‌ای از مراسم یا قطعه‌ای از سخنان حضرت را نقل نموده‌اند. البته قسمتهایی از این جریان بطور متواتر بدست ما رسیده است، و خطبه غدیر نیز بطور کامل در کتب حدیث حفظ شده است.

#### روایت حدیث غدیر در شرایط خفقان

خبر غدیر و سخنان پیامبر(ص) در آن مجمع عظیم، طوری در شهرها منتشر شد که حتی غیر مسلمانان هم از این خبر مهم آگاه شدند. جا داشت بیش از یکصد و بیست هزار مسلمان حاضر در غدیر، هر یک بسهم خود خطبه غدیر را حفظ کند و متن آنرا در اختیار فرزندان و فامیل و دوستان خود قرار دهد.

متأسفانه جو حاکم بر اجتماع آنروز مسلمین و فضای ایجاد شده بعد از رحلت پیامبر(ص) که حدیث گفتن و حدیث نوشتن در آن ممنوع بود و سالهای متمادی همچنان ادامه داشت اینها سبب شد که مردم سخنان سرنوشت ساز پیامبر دلسوزشان در آن مقطع حساس را به فراموشی بسپارند و اهمیت آنرا نادیده بگیرند.

طبیعی است که باید چنین می شد، زیرا مطرح کردن غدیر مساوی با برچیدن بساط غاصبین خلافت بود، و آنان هرگز اجازه چنین کاری را نمی دادند. البته جریان غدیر بصورتی در سینه ها جا گرفت که عده زیادی خطبه غدیر یا قسمتی از آن را حفظ کردند و برای نسلهای آینده بیادگار گذاشتند و هیچکس را قدرت کنترل و منع از انتشار چنین خبر مهمی نبود.

شخص امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما که رکن غدیر بودند، و نیز ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری تأکید خاصی بر حفظ این حدیث داشتند، و بارها در مقابل دوست و دشمن بدان احتجاج و استدلال می فرمودند، و در آن شرایط خفقان می بینیم که امام باقر علیه السلام متن کامل خطبه غدیر را برای اصحابشان فرموده اند.

بهمین جهت در بین قاطبه مسلمین، هیچ حدیثی به اندازه «حدیث غدیر» روایت کننده ندارد، و گذشته از تواتر آن، از نظر علم رجال و درایت، اسناد آن در حد فوق العاده ای است.

### معرفی کتاب درباره سند حدیث غدیر

کتاب مفصلی در زمینه بحثهای رجالی و تاریخی مربوط به سند حدیث غدیر تألیف شده است که بهترین نمونه آن کتاب «الغدیر» تألیف علامه بزرگ شیخ عبدالحسین امینی نجفی رضوان الله علیه است.

در این کتابها، اسماء راویان حدیث غدیر جمع آوری شده و از نظر رجالی در باره موثق بودن راویان بحث شده و تاریخچه مفصلی از اسناد و راویان حدیث غدیر تدوین شده و جنبه‌های اعجاب انگیز آن در زمینه‌های اسناد و رجال تبیین گردیده است. ذیلا به دو نمونه اشاره می‌شود:

ابو المعالی جوینی می‌گوید: در بغداد در دست صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر جلد آن چنین نوشته بود: «جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث» (من کنت مولاة فعلی مولاة) و بعد از این مجلد بیست و نهم خواهد بود» (۱)

ابن کثیر می‌گوید: «کتابی در دو جلد ضخیم دیدم که طبری در آن، احادیث غدیر خم را جمع آوری کرده بود» (۲).

اگر چه کتاب برای معرفی در این زمینه بسیار زیاد است ولی در اینجا چند کتاب بعنوان راهنمایی و برای آگاهی از مباحث مربوط به سند حدیث غدیر معرفی می‌شود:

1. الطرائف، سید ابن طاووس: ص ۳۳.
2. کشف المهم فی طریق خیر غدیر خم، سید هاشم بحرانی.
3. بحار الأنوار، علامه مجلسی: ج ۳۷ ص ۱۸۱ و ۱۸۲.
4. عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی: ج ۳/۱۵ ص ۳۰۷ تا ۳۲۷.
5. عبقات الأنوار، میر حامد حسین هندی، جلد غدیر.
6. الغدیر، علامه امینی: ج ۱ ص ۱۲ تا ۱۵۱، و ۲۹۴ تا ۳۲۲.
7. خلاصه عبقات الأنوار، علامه محقق سید علی حسینی میلانی دامت افاضاته، جلد غدیر.

مدارک متن کامل خطبه غدیر

در تاریخچه کتابهای اسلامی، اولین بار در نقل خطبه غدیر بصورت مستقل، به کتابی که عالم شیعی استاد بزرگ علم نحو شیخ خلیل بن احمد فراهیدی متوفای ۱۷۵ هجری تألیف کرده بر می‌خوریم، که تحت عنوان «جزء فیہ خطبۃ النبی (ص) یوم الغدیر» (۳) معرفی شده است، و بعد از او کتابهای بسیاری در این زمینه تألیف گردیده است.

خوشبختانه متن مفصل و کامل خطبه غدیر در هفت کتاب از مدارک معتبر شیعه که هم اکنون در دست می‌باشد و بچاپ هم رسیده، با اسناد متصل نقل شده است. روایات این هفت کتاب به سه طریق منتهی می‌شود:

یکی بروایت امام باقر(ع) است که با اسناد معتبر در سه کتاب «روضۃ الواعظین»، تألیف شیخ ابن فتال نیشابوری (۴)، «الإحتجاج» تألیف شیخ طبرسی (۵)، و «الیقین» تألیف سید ابن طاووس (۶) نقل شده است.

طریق دوم بروایت زید بن ارقم است که با اسناد متصل در سه کتاب «العدد القویة» تألیف شیخ علی بن یوسف حلی (۷) «التحصین» تألیف سید ابن طاووس (۸)، و «الصرط المستقیم» تألیف شیخ علی بن یونس بیاضی (۹)، و «نهج الایمان» تألیف شیخ حسین بن جبور (۱۰) بنقل از کتاب «الولایة» تألیف مورخ طبری روایت شده است.

طریق سوم بروایت حذیفه بن الیمان است که با اسناد متصل در کتاب «الإقبال» تألیف سید بن طاووس (۱۱) بنقل از کتاب «النشر و الطی» نقل شده است.

شیخ حر عاملی در کتاب «اثبات الهدایة» (۱۲) و علامه مجلسی در «بحار الأنوار» (۱۳) و سید بحرانی در کتاب «کشف المهم» (۱۴) و سایر علمای متأخر، خطبه مفصل غدیر را از مدارک مذکور نقل کرده‌اند.

بدین ترتیب، متن کامل خطبه غدیر بدست این بزرگان شیعه حفظ شده و بدست ما رسیده است، که این خود در عالم اسلام از افتخارات تشیع است.

اسناد و رجال روایت کننده متن کامل خطبه غدیر

ذیلا عین اسناد مربوط به روایت خطبه غدیر بعنوان پشتوانه آن تقدیم می‌گردد.

روایت امام باقر(ع) به دو سند است :

1. قال الشيخ أحمد بن علي بن أبي منصور الطبرسي في كتاب «الإحتجاج» :

حدثني السيد العالم العابد ابو جعفر مهدي بن أبي الحرث الحسيني المرعشي رضى الله عنه قال: أخبرنا الشيخ أبو علي الحسن بن الشيخ أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي رضى الله عنه، قال: أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر قدس الله روحه، قال: أخبرني جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبرى، قال:

أخبرني أبو علي محمد بن همام، قال: أخبرنا علي السورى قال: أخبرنا أبو محمد العلوى من ولد الأفتس - و كان من عباد الله الصالحين - قال: حدثنا محمد بن موسى الهمداني، قال: حدثنا محمد بن خالد الطيالسى، قال: حدثنا سيف بن عميرة و صالح بن عقبة جميعا عن قيس بن سمرعان عن علقمة بن محمد الحضرمى عن أبي جعفر محمد بن علي (الباقر) عليهما السلام.

2. قال السيد ابن طاووس في كتاب «اليقين»: قال أحمد بن محمد الطبرى المعروف بالخليلى فى كتابه «أخبرني محمد بن أبي بكر بن عبد الرحمان، قال: حدثني الحسن بن علي أبو محمد الدينورى، قال: حدثنا محمد بن موسى الهمداني، قال: حدثنا محمد بن خالد الطيالسى، قال: حدثنا سيف بن عميرة عن عقبة عن قيس بن سمرعان عن علقمة بن محمد الحضرمى عن أبي جعفر محمد بن علي (الباقر) (ع)

روایت زید بن أرقم به سند زیر است :

قال السيد ابن طاووس في كتاب «التحصين»: قال الحسن بن أحمد الجاوانى فى كتابه «نور الهدى و المنجى من الردى»: عن أبي المفضل محمد بن عبد الله الشيبانى، قال: أخبرنا أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى و هارون بن عيسى بن سكين البلدى، قال: حدثنا حميد بن الربيع الخزاز، قال: حدثنا يزيد بن هارون، قال: حدثنا نوح بن مبشر، قال: حدثنا الوليد بن صالح عن ابن امرأة زيد بن أرقم و عن زيد بن أرقم.

روایت حذيفة بن اليمان به سند زیر است :

قال السيد ابن طاووس في كتاب «الإقبال» قال مؤلف كتاب «النشر و الطى» عن أحمد بن محمد بن علي المهلب: أخبرنا الشريف أبو القاسم علي بن محمد بن علي بن القاسم الشعراني عن أبيه: حدثنا سلمة بن الفضل الأنصاري، عن أبي مريم عن قيس بن حيان (حنان) عن عطية السعدى عن حذيفة بن اليمان.

پی نوشتها:

(1) بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۳۵.

(2) بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۳۶.

(3) الذريعة: ج ۵ ص ۱۰۱ شماره ۴۱۸.

(4) روضة الواعظین: ج ۱ ص ۸۹.

(5) الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶، بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱.

(6) اليقين: ص ۳۴۳ باب ۱۲۷. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۱۸.

(7) العدد القوية: ۱۶۹.

(8) التحصين: ص ۵۷۸ باب ۲۹ از قسم دوم.

(9) الصراط المستقيم: ج ۱ ص ۳۰۱.

(10) نهج الايمان (نسخه خطی کتابخانه امام هادی (ع) در مشهد): ورقه ۲۶-۳۴.

(11) الإقبال: ص ۴۵۴ و ۴۵۶، بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۷ و ۱۳۱.

(12) اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۴، ج 3 558.

(13) بحار الانوار: ج ۳۹۷ ص ۲۰۱.

(14) كشف المهم: ص ۱۹۰.

اسرار غدیر

محمد باقر انصاری

منابع:

سایت غدیر خم

پایگاه حوزه